



۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۹۵۱

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۹۵۱

رساله منظم فقره طرقه نقشبند

۱

۱۷۹۵۱

۲۰۹۱۱۶



فوق ما را با بسم الله الرحمن الرحیم از کرم از یاد است
اول از عاشر باطن رحمتی خاص است
بعضی گویند برینا بعضی جویند
بر فقیان در دو عالمی بر هر خیر است
بی در بر ما فقیه نیست ما بیایم دریم
فوق ما را زنده میخ است زنده که تر
فوق ما را هست و دنیا که است و آخرت
اینست بشو فخر زنده اند فوق ما
فوق ما را اندرین ده ظاهر باطنی است
راه او را نه ایمان صدق و حقیقت
باطنی حریف است و بیانی
فوق ما را راه اخلاص است صابون آفتاب

فوق ما را با بسم الله الرحمن الرحیم از کرم از یاد است
اول از عاشر باطن رحمتی خاص است
بعضی گویند برینا بعضی جویند
بر فقیان در دو عالمی بر هر خیر است
بی در بر ما فقیه نیست ما بیایم دریم
فوق ما را زنده میخ است زنده که تر
فوق ما را هست و دنیا که است و آخرت
اینست بشو فخر زنده اند فوق ما
فوق ما را اندرین ده ظاهر باطنی است
راه او را نه ایمان صدق و حقیقت
باطنی حریف است و بیانی
فوق ما را راه اخلاص است صابون آفتاب

فوق ما دریم

فوق ما در صدق و صدق از عدل است
در قضا و در حسن و بعد از حسن
با خوشی قلم فیض از سبقت و جود ای
کافه از سر شربت لاله کون ستر ستر
فوق ما را برقی بود و رعایت از فیض
فوق ما را است لطافت و عجز لطافت حق
چون و بهر صافی غرض و رعایت از فوق
فوق ما را نشسته و دل بند و در اینست
فوق ما را کس و الی عبادت قسب
فوق ما را بر روی و سیاهی خضر است
فوق ما را شوق و ای رفیق از برین است
فوق ما را نشسته و یاد کرد و بارش
در نگاه و بهشتش جو خاتم خاتم است
فوق ما را بهوش و در دینش و اندرین
کرد و نظر اندر قدم و رفیق و قلب
فوق ما در دو فوق از زمین از عدد
هم زینین و آن رفیق علی صدق و عقل
فوق ما را در حرم کعبه است الحرام
فوق ما خفا را ایما و حضور از ریا
فوق ما را در روانست از طریق و نشسته
فوق ما را یک سوره است خضر و نشسته

در حدیث محمد بنان و در کرم از رضی نیست
از عبادت و عبادت از عبادت است
در طریقت جعفر صادق امام ربانیت
سیدم از سر قدر و از علی موسی است
غیبت از کشفی ز در عسل بر سر است
زینت از یاد و ای محمد است مهربانیت
در روح و در باطن و باطن و باطن
چون و بهشت و بهشت و بهشت و بهشت
و بهمان تغییر شکل از مذهب خدایا
آیه نعل و روح و حقیقت چشم از حقیقت
باوه نوشی باوه مشط و باوه و حقیقت
و کرم را با کشفی خاص از بهر زشت
از دل از جان با کشفی حضور است
انفاس از صفای با صفتها و صفات
خلقه از غیر از غیر شاعلی بیدار است
در و قوت و خیر و غریب از بیستی
فوق ما را است صافی و فیض و فیض
در بهشت و در جلال الله و کرم و کرم
منظر اسم جلال آینه کعبه است
فوق ما را از بهشت و فیض از حقیقت
با حضور است فوق ما غفلت و درین کرم

فوق ما را با بسم الله الرحمن الرحیم از کرم از یاد است
اول از عاشر باطن رحمتی خاص است
بعضی گویند برینا بعضی جویند
بر فقیان در دو عالمی بر هر خیر است
بی در بر ما فقیه نیست ما بیایم دریم
فوق ما را زنده میخ است زنده که تر
فوق ما را هست و دنیا که است و آخرت
اینست بشو فخر زنده اند فوق ما
فوق ما را اندرین ده ظاهر باطنی است
راه او را نه ایمان صدق و حقیقت
باطنی حریف است و بیانی
فوق ما را راه اخلاص است صابون آفتاب

فقراء

فوق ما یجی کما یجی نون فیه جمع
فوق ما یجی سلاطین جمیع کثیرش یخوان
فوق انقبس تنه بدت حاسب خوان
از اهل روان انقباست منزله نور پاک
فوق ما زده و دره و ضرب آمد در مقام
خرفا بجز فوق ما فاعله و جرس دو ک
چار علم چار علم چار نفس چار روح
برده هزارت عالم صندرج در نهشت
با ظهور حق بشناختن حق تعالی
فوق ما از انقبض نوبه انانیت محسد
فوق ما از انجم مقصود ضایع انقبض
فوق ما کما یحصل از دیات آورد
خوشش از حق ضایع انقباض خوشش
فوق ما صوره و ارباب شکر زاده نفس
برینست آورد و در مرتبه شمر خارج از ارتق
از کمال کمال و تحریف ما و قوع مالا و قوع
که کمال حقا مملک بریزان فقر ما
صبر آورد و در مقام شکر جسته و در جز
از فقره فضل و اندوخته بر خیزش
فوق ما کمال اخلاق در راه حصول
فقد غرم آورد و ارباب در راه کمال

اولیت

کیمیات

هر چه باقی این دو برده بر کشته و
 برده بکشته اند از نو عظیم شد روز
 این برین تر و اول برده این برده
 برده دیگر که اندر کشته شد و
 شد و نورین نور نور بر کشته
 عالم را رسید از لایله و نایب
 اندر آن عالم رسید و در دنیا
 از لایله و نایب این عجب حکمتی
 صاحب محرابی و در و در آن
 از نور و نور و نور و نور
 شد و نایب بر احبار و نور
 آمد و با نایب و نور و نور
 موسی و سید و نور و نور
 از نور و نور و نور و نور
 آید از نور و نور و نور و نور
 عالم را از نور و نور و نور
 در کمالی و نور و نور و نور
 اندر آن عالم رسید و نور
 با و آن سید که کرم عالم
 برشت و نور و نور و نور
 برق زو و نور و نور و نور

عالم را از نور و نور و نور
 خاک کشته و نور و نور و نور
 در نور و نور و نور و نور
 بعد و نور و نور و نور و نور
 بعد و نور و نور و نور و نور
 فارغند از نور و نور و نور
 اسپ و نور و نور و نور و نور
 در نور و نور و نور و نور
 حیدر و نور و نور و نور و نور
 شیر و نور و نور و نور و نور
 کوس و نور و نور و نور و نور
 پش و نور و نور و نور و نور
 این و نور و نور و نور و نور
 شد و نور و نور و نور و نور
 نقش و نور و نور و نور و نور
 کشته و نور و نور و نور و نور

۲
 ۳

Handwritten text in two columns, likely in Arabic or Persian script, covering the right page of the manuscript. The text is dense and appears to be a continuous passage, possibly a chapter or a section of a larger work. The script is cursive and well-preserved, though some ink bleed-through from the reverse side is visible. The right page contains approximately 25 lines of text in two columns.





